

در غفلت شومی و باین سبب بعد از رحمت اوستوی
 چند لکنه این سبب بی رضی الله عنهما روایت میکنند که
 رسول صلی الله علیه و سلم گفتند که روز قیامت شود و مردی را
 بیارند و تحفه کمال از جوامع جمع کرده است بگرام خراج کرده است
 نه آید که او را بدو بخیر برید و مرد بر این بدارند که مال از جوامع جمع کرده است
 و بجز آن خراج کرده است نه آید که او را بدو بخیر برید و مرد بر این بدارند
 مال از جوامع جمع کرده است و بجز آن خراج کرده است نه آید که بوی
 چسب گندیده در مرد و بهر حبه که از آنجا جمع پیدا کرده است و بوی
 خراج کرده است نقل کرده اند که از رسول صلی الله علیه و سلم روز قیامت
 دنیا را بیارند بصورتی که بر زخ زینت روی و از آنجا چشم و دونهها
 برون بر آید و بویهای نامحسوس از آنجا بیاید و زینت روی او را

ای اهل

ای اهل عرضت نیستند سید او را که همان دنیا است که شایسته بر او
 بودید و سبب او با یکدیگر چنان مخصوص است که هر دو را در محبت او از حد جدا
 و چنان باز مانده بودید و نزد عالم دو خط از قیامت پدید میآید و ازین
 سبب از حدی تعداد و زمانه بدو همش در این سوره بر این است که در
 بیان شوند و نیز از سیال عرف و در غفله معطلی اندک از حق تعالی
 زمان آید که دو پستان دنیا را به پودخ برید و نقل است که روزی
 رضی الله عنه خدمت رسول صلی الله علیه و سلم رفتند که این سخن در دنیا
 بودند و تقییر را باین مباحث که نشسته است ابو بصیر
 رضی الله عنه زیر پرده حضرت صدراعظم میآید که گفتند چرا که
 میکنند گفتن پادشاهان از حب بفرستند های بگویند و بند و در
 مبارک که حبیب خدا صدراعظم میآید که گفتند چرا که در این خطه میگذرد